خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• یک شنبه ۴ آذر ۱۴۰۳ • ۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۶۴۲ • ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴

شاهکار موسیقایی استاد ۸۷ ساله با عارفانه های عطار نیشابوری

بازگشت استاد فرهاد فخرالدینی به صحنه اجرا با منظومه «سیمرغ» پس از ۱۰ سال، استقبال گسترده اهل فرهنگ و هنر را در پی داشته است

محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

حدود یک سال پیش، یعنی درست زمانی که دوری استاد فرهاد فخرالدینی، آهنگ ساز برجسته و بنیان‌گذار ارکستر ملی ایران، از فضای اجرای صحنه ای موسیقی داشت به ۱۰سالگی خود نزدیک می‌شد، برای جویا شدن حال این استاد بزرگ و فعالیت‌های پیش رویش با او که اینک ۸۷ ساله است، تماس گرفتیم. خارج از فضای گفت‌وگو متوجه شدیم که استاد مشغول پژوهش و آهنگ سازی است. سکوت و دوری طولانی‌مدت از اجرای صحنه ای موسیقی، سوالات زیادی در ذهن علاقه‌مندان و اهالی موسیقی مطرح کرده بود؛ سوالاتی ازجمله این که آیا فرهاد فخرالدینی برای همیشه از دنیای موسیقی و رهبری ارکستر خداحافظی کرده، این استاد برجسته چه تعداد اثر ساخته‌شده در گنجینه هنری خود دارد؟ این گوشه‌نشینی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ چرا مسئولان هنری برای حمایت از انتشار آثار این بزرگان دست نمی‌جنبانند؟ همه این سوالات ادامه داشت تا این که چندی پیش، انتشار خبر کنسرت «منظومه سیمرغ (قاف)» با رهبری فرهاد فخرالدینی و همکاری ارکستر سمفونیک تهران، (البته طبق شنیده‌ها با حمایت یک شرکت خصوصی) امیدی تازه در دل دوستداران موسیقی زنده کرد. این کنسرت که از اواخر آبان ماه در تالار وحدت آغاز شده در هر شب با استقبال چشمگیر مخاطبان از سراسر کشور همراه بوده است. کنسرت «منظومه سیمرغ (قاف)» پس از ۱۰ سال دوری استاد فخرالدینی از صحنه را می‌توان بازگشتی باشکوه برای این چهره ماندگار موسیقی به شمار آورد؛ بازگشتی از جنس بازگشت سیمرغ به روزگار ما.

منظومه سیمرغ (قاف) اثری است که فرهاد فخرالدینی بر اساس «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری برای ارکستر، گروه کُر خلق کرده است. نگارش موسیقی این منظومه از اوایل سال ۱۴۰۰ آغاز شد و در ۲۵ فروردین ۱۴۰۲، همزمان با روز بزرگداشت عطار نیشابوری، به پایان رسید.

کنسرت باشکوه با ارکستری صد نفره

کنسرت «منظومه سیمرغ» با حضور یک ارکستر بزرگ متشکل از ۱۰۰ نفر (نوازنده و گروه کُر)، نقطه عطفی در کارنامه درخشان استاد فخرالدینی به شمار می‌رود. این اجرا که به دلیل استقبال گسترده مخاطبان تمدید شده است، در تاریخ‌های ۱ تا ۴، ۶ و ۷ آذرماه در تالار وحدت و رأس ساعت ۲۱:۳۰ برگزار می‌شود.

نگاهی به «منظومه سیمرغ (قاف)»

منظومه سیمرغ (قاف) اثری است که فرهاد فخرالدینی بر اساس «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری برای ارکستر، گروه کُر و دو تک‌خوان خلق کرده است. نگارش موسیقی این منظومه از اوایل سال ۱۴۰۰ آغاز شد و در ۲۵ فروردین ۱۴۰۲، همزمان با روز بزرگداشت عطار نیشابوری، به پایان رسید. اشعار «منظومه سیمرغ (قاف)» از «منطق‌الطیر عطار» با تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی گرفته شده و بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات» است.

یکی از نکات قابل‌توجه در این اثر، تلاش استاد فخرالدینی برای آزادسازی موسیقی از محدودیت‌های وزنی شعر است. به گفته کارشناسان، این تلاش، کاملاً موفق بوده و مخاطبان در «منظومه سیمرغ (قاف)» شاهد تنوع موسیقایی در بخش‌های مختلف این اثر هستند.

ساز بندی و اجرا

ساز بندی این اثر که برای ارکستر سمفونیک طراحی شده است، شامل سازهای بادی چوبی، بادی برنجی، سازهای زهی و ضربی است که توسط گروه کُر و دو خواننده همراهی می‌شود. در این برنامه، مهدی محمدی به‌عنوان خواننده تِنور در نقش هدهد و علی تفرشی به‌عنوان خواننده باریتون در نقش راوی هنرنمایی می کنند.

منظومه «سیمرغ (قاف)» اثر کم‌نظیری است که استاد فخرالدینی در آن توانسته موسیقی ایرانی را با روایتی جهانی ارائه دهد. این ترکیب زیبا از شعر کلاسیک ایرانی و اجرای ارکستر سمفونیک، تجربه‌ای بی‌بدیل برای مخاطبان خلق می کند.

حضور نوازندگان جوان و پیش کسوت

یکی از نکات جالب‌توجه این اجرا، حضور ارسلان کامکار، آهنگ ساز و نوازنده پیش کسوت سازهای عود و ویولن، پس از شش سال دوری از صحنه، به‌عنوان کنسرت‌مایستر است. همچنین، ترکیب نوازندگان جوان و پیش کسوت در این ارکستر، تصویری از تداوم نسل‌ها در موسیقی ایرانی را به نمایش می گذارد.

مروری بر آثار ماندگار استاد فخرالدینی

نام فرهاد فخرالدینی با موسیقی متن بسیاری از سریال‌ها و آثار ماندگار هنری کشورمان گره خورده است. از جمله آثار شاخص او می‌توان به موسیقی سریال‌های «امام علی (ع)»، «بوعلی سینا»، «سربداران»، «کیف انگلیسی»، «مسافر ری»، «روشن‌تر از خاموشی» و... اشاره کرد. این آثار نه‌تنها بخشی از خاطرات جمعی ما را شکل داده‌اند، بلکه هر یک به‌نوعی جایگاه موسیقی تصویری را در ایران ارتقا داده‌اند.

دلیل سکوت ۱۰ ساله استاد

دوری ۱۰ ساله فرهاد فخرالدینی از صحنه موسیقی، سوالات بسیاری را در ذهن مخاطبان ایجاد کرده بود. استاد فخرالدین در نشستی خبری به‌تازگی درباره این سکوت ۱۰ ساله این گونه توضیح داده است که: «مسائل مختلفی وجود داشت. زمانی که کاری را انجام می‌دادم و از انجام آن راضی بودم، آن کار را ادامه می‌دادم؛ اما اگر راندمان کارم به آن شکلی که می‌خواستم نبود، مسیرم را تغییر می‌دادم. این رویکردی است که همیشه در زندگی‌ام دنبال کرده‌ام. وقتی احساس می کردم نمی‌توانم مفید باشم، به کار دیگری مشغول می‌شدم. بخش زیادی از عمر من در سر کلاس‌های درس، با ارکستر، در استودیو و در آهنگ سازی گذشته است. اگر راهی بسته می‌شد، راه دیگری برای خودم باز می کردم. مواقعی که رضایت کامل از کار با ارکستر نداشتم، به نوشتن کتاب‌هایم مشغول می‌شدم. در این مدت، کتاب‌های متعددی نوشتم و همواره تلاش کردم اطلاعات و تجربیاتم را با دیگران به اشتراک بگذارم. نیت من همیشه خیر بوده و خواسته‌ام که اهالی موسیقی از این تجربیات بهره‌مند شوند.»

روحیه خستگی‌ناپذیر در خلق و نوآوری

بازگشت فرهاد فخرالدینی به صحنه با اجرای «منظومه سیمرغ (قاف)» نه‌تنها یادآور جایگاه برجسته این هنرمند در موسیقی ایران است، بلکه نشان‌دهنده روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر در خلق و نوآوری است. این کنسرت بار دیگر ثابت کرد که موسیقی ایرانی با تمام ظرفیت‌هایش، توانایی ارائه روایت‌هایی جهانی را دارد.

این روزها اجرای «منظومه سیمرغ (قاف)» توانسته است پلی میان میراث غنی ادبیات کلاسیک ایران و موسیقی مدرن برقرار کند. این اجرا تصویری از اوج هنر موسیقی ایرانی است؛ هنری که با وجود تمام چالش‌ها، همچنان زنده، پویا و الهام‌بخش است.

سیمرغ و آینده‌ای روشن

کنسرت «منظومه سیمرغ (قاف)» نه‌تنها بهانه‌ای برای تجلیل از هنر فرهاد فخرالدینی بود، بلکه فرصتی به شمار می‌آید تا یک بار دیگر به اهمیت موسیقی ملی و نقش هنرمندان در حفظ و ارتقای این میراث فرهنگی بیندیشیم. بازگشت استاد، امید به آینده‌ای روشن‌تر برای موسیقی ایران را در دل‌ها زنده کرد؛ آینده‌ای که در آن، هنر و فرهنگ، همچنان الهام‌بخش زندگی ما خواهد بود.

ناگهان شعر

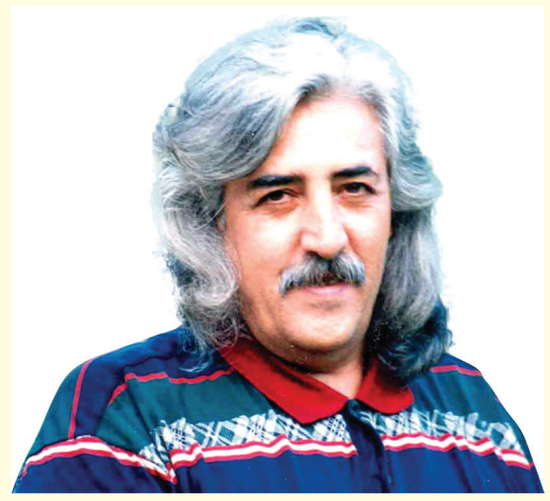

حسین منزوی

شعر اول:

به سینه می زندم سر دلی که کرده هوایت
دلی که کرده هوای کرشمه های صدایت
نه یوسفم نه سیاوش به نفس کشتن و پرهیز
که آورد دلم ای دوست، تاب وسوسه هایت
تو راز جرگه ی انبوه خاطرات قدیمی
برون کشیده ام و دل نهاده ام به صفایت
تو سخت و دیر به دست آمدی مرا و عجب نیست
نمی کنم اگر ای دوست! سهل و زود، رهایت
گره به کار من افتاده است از غم غربت
کجاست چابکی دست های عقده گشایت؟

شعر دوم

سکوت می کنم و عشق، در دلم جاری است
که این شگفت ترین نوع خویشتن داری است
تمام روز، اگر بی تفاوتم؛ اما
شبم قرین شکنجه، دچار بیداری است
رها کن آنچه شنیدی و دیده ای، هر چیز
به جز من و تو و عشق من و تو، تکراری است
مرا ببخش! بدی کرده ام به تو، گاهی
کمال عشق، جنون است و دیگر آزاری است
مرا ببخش اگر لحظه هایم آبی نیست
ببخش اگر نفسم، سرد و زرد و زنگاری است
بهشت من! به نسیم تبسمی دریاب
جهانِ جهنم مارا، که غرق بیزاری است

تمدید دورهمی «ونگوگ» و «پیکاسو» در موزه هنرهای معاصر

نمایشگاه «چشم در چشم» موزه هنرهای معاصر که در آن آثاری از ونگوگ، پیکاسو.... به نمایش درآمده است تا پایان آذر تمدید شد.

به گزارش خراسان به نقل از روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت ارشاد، معاون هنری این وزارتخانه اعلام کرد نمایشگاه «چشم در چشم» که با استقبال بی سابقه هنرمندان و علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی رو به رو شده تا پایان آذرماه تمدید می شود.

نمایشگاه «چشم در چشم» در پنج گالری مختلف موزه به نمایش ۱۲۰ اثر از هنرمندان برجسته‌ای نظیر فرانسیس بیکن، پیکاسو، ونسان ونگوگ، اندی وارهول، جیمز انسوار، ادوارد مونه، رابرت راشنبرگ و دیگر نام‌های مطرح هنری می پردازد.

این مجموعه با ترکیبی از آثار کلاسیک و معاصر، بازدیدکنندگان را به سفری هنری و بصری دعوت و جایگاه موزه هنرهای معاصر را به عنوان یکی از مراکز مهم فرهنگی حفظ می کند. علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ تمدید نمایشگاه بهره برده و از فرصت دیدن آثار هنری متنوع در محیطی دلنشین لذت ببرند.

نویسنده ای که جایزه ادبی ۵۰ هزار پوندی را رد کرد

ریچارد میلر فلاناگان، نویسنده استرالیایی و برنده جایزه بوکر ۲۰۱۴، با کتاب «سوال شماره ۷» به عنوان برنده جایزه ادبی غیرداستانی «بیلی جیفورد» اعلام شد. اما فلاناگان ضمن خودداری از دریافت این جایزه اعلام کرد تا زمانی که مسئولان مدیریت بودجه این جایزه، برنامه‌ای برای کاهش سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی و افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر ارائه ندهند، جایزه ۵۰ هزار پوندی را نمی پذیرد.

فلاناگان در سخنرانی دریافت جایزه بیان کرد که این تصمیم ناشی از انتقادهای موجهی است که شرکت حمایت کننده «بیلی جیفورد» به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایش در سوخت‌های فسیلی و شرکت‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی دریافت کرده است. شرکت «بیلی جیفورد» از سال ۲۰۱۶ مسئولیت حمایت مالی از این جایزه را بر عهده دارد و در سال‌های اخیر به خاطر سرمایه‌گذاری‌های مضر خود تحت فشار قرار گرفته است. تحریم‌های جشنواره‌های ادبی توسط گروه کمپین «Fossil Free Books» منجر به خاتمه همکاری بین «بیلی جیفورد» و ۹ جشنواره شده است.

فلاناگان با دریافت این جایزه، به نخستین نویسنده‌ای تبدیل می‌شود که هم جایزه بوکر و هم جایزه «بیلی جیفورد» را دریافت کرده است. او تاکید کرد که حمایت از محیط زیست و تغییرات اقلیمی باید در اولویت سیاست‌های مدیریتی قرار گیرد و مسئولان باید اقدامات جدی‌تری در این زمینه انجام دهند.

نقش اساسی مترجم در انتقال سبک

سید مهدی زرقانی
calture@khorasannews.com

انتشار هر «اثر»، افزوده‌ای است بر سرمایه معنوی زبان فارسی؛ به‌خصوص اگر در حوزه آفرینش‌های هنری باشد و برای نویسنده‌اش هم‌زبان فارسی حکم معشوقه را یافته باشد. «غرور و تعصب» جین آستن تاکنون بارها ترجمه و چاپ شده اما اینک به قلم توانای مترجمی روانه بازار کتاب می‌شود که بیش از دو دهه است که با انتشار مجله وزین «مترجم»، خدمت‌ها به زبان فارسی کرده و درباره ترجمه و ضرورت‌های آن و عیب و علت‌های آن سخنوری‌ها کرده است. بسیار مشتاق بودم که ببینم دکتر خزاعی فر با آن همه مهارت و دغدغه، «غرور و تعصب» را در چه هیئتی پیش چشم مشتاقان آورده و از چند روز پیش که کتاب به دستم رسیده، به تعبیر هم ولایتی هایم، یکّه بند خواندم و خواندم و باید بگویم دست مریزاد! همان قلمی است که از صاحب مترجم انتظار می‌رود، با کلی ظرافت و لطافت و دقت که اقتضای ترجمه چنین رمان کلاسیکی است. فکرش را بکنید بخواهید رمانی را که اول‌بار در سال ۱۳۳۶ ترجمه‌شده و پس از آن هم ۳۳ بار ترجمه شده، دوباره ترجمه کنید؛ آن هم برای نسل کتاب گریزی که به‌سختی تن به مطالعه کتاب می‌دهد.

«تشخّص سبکی» در ترجمه

خزاعی فر در مقدمه عالمانه‌اش، درباره سبک اثر سخن گفته و این که وظیفه اول مترجم این است که سبک اثر را منتقل کند و کسانی که با قلم سر و سری دارند و دستی در کار نوشتن، می‌دانند که انتقال سبک تا چه حد نیازمند قدرت و قوت در هر دو زبان است. من با زبان انگلیسی چندان آشنا نیستم که بتوانم سبک جین آستین را تشخیص دهم اما می‌توانم «تشخّص سبکی» را در این ترجمه دریابم. مترجم در مقدمه توضیح داده که ویژگی‌های سبکی جین آستین چیست و خواننده فارسی‌زبان، حتی اگر سبک شناس حرفه‌ای نباشد، به‌خوبی می‌تواند ظهور و حضور آن سبک را در متن فارسی ببیند.

لزوم آفرینش گری مترجم

باید به چنین قلمی و همتی تبریک گفت و به ما که هنوز مترجمانی داریم که چنین سالم و زیبا می‌نویسند، آن هم در زمانه‌ای که هر کس از هر گوشه‌ای برمی‌آید، با کمک یا بدون کمک هوش مصنوعی، ترجمه اثری را به دست می‌گیرد و هیچ نهاد و سازمانی هم نیست که ببیند این ترجمه‌های بی‌اصل‌ونسب و مترجمان بی‌دست‌وپا چطور کمر همت به نابودی زبان فارسی بسته‌اند. سخن به درازا کشید. غیر از مقدمه عالمانه، مترجم در طول اثر هم هر کجا لازم دانسته در پانویس توضیحات موجز و مفیدی آورده تا خواننده راحت‌تر در جریان امور قرار گیرد. این، غیر از فهرست اعلام مختصری است که در مقدمه آمده و ذهن خواننده را برای ورود به جهان متن آماده می‌کند. بماند که مترجم به تصویرهای اصل کتاب هم مراجعه کرده و آن‌ها را در جای جای متن گنجانده تا ترجمه‌اش را به اصل اثر نزدیک‌تر کند. این شیوه در ترجمه کمتر مرسوم است. علاوه بر این‌ها باید از نشر محترم نیلوفر هم تشکر کرد که با انتخاب قطع مناسب، قلم چشم‌نواز، طرح پشت جلد جذاب و صفحه‌آرایی زیبا خوش‌ذوقی به خرج داده است. علی خزاعی فر بر آن است که ترجمه، خود آفرینش است و مترجم به‌اندازه نویسنده باید دست به کار آفرینش بزند. باید به ایشان و به خودمان و به اهالی فرهنگ و قلم، آفرینش این اثر را تبریک گفت. اگر رمانی کلاسیک و حرفه‌ای با نثری سالم و زیبا می‌خواهید، غرور و تعصب جین آستن به ترجمه علی خزاعی فر را بخوانید.

خزاعی فر در مقدمه عالمانه‌اش، درباره سبک اثر سخن گفته و این که وظیفه اول مترجم این است که سبک اثر را منتقل کند و کسانی که با قلم سر و سری دارند و دستی در کار نوشتن، می‌دانند که انتقال سبک تا چه حد نیازمند قدرت و قوت در هر دو زبان است

انتشار کتاب «هویت فرهنگی در گفتارهای شاهنامه فردوسی»

انتشارات بنیاد ایران‌شناسی با انتشار کتاب «هویت فرهنگی در گفتارهای شاهنامه فردوسی» اثر اشرف سراج، گامی مهم در مطالعات فرهنگی و ادبیات فارسی برداشته است. این کتاب پژوهشی با تمرکز بر تحلیل گفتارهای شاهنامه فردوسی، به بررسی لایه‌های فرهنگی نهفته در این اثر حماسی می‌پردازد و ویژگی‌های فرهنگی ایرانی را از منظر زبان و گفتار شناسایی می‌کند.

کتاب «هویت فرهنگی در گفتارهای شاهنامه فردوسی» در سه فصل تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «جایگاه زبان در مطالعات فرهنگی» به نقش زبان و ادبیات در انتقال میراث فرهنگی و حفظ هویت اجتماعی می‌پردازد. فصل دوم، «ساختار و چینش متن گفتارها در شاهنامه فردوسی»، به تحلیل ساختاری گفتارهای منتخب از شاهنامه و شیوه‌های فردوسی در بازنمایی مسائل فرهنگی می‌پردازد. فصل سوم نیز با عنوان «سازه‌های زبانی فرهنگی در گفتارهای شاهنامه فردوسی»، یافته‌های نهایی پژوهش را ارائه می‌کند. این کتاب در ۱۶۰ صفحه، شامل تحلیل‌های دقیق و جداول مرتبط با گفتارها و واژه‌نامه‌های دوزبانه، منبع ارزشمندی برای محققان و علاقه‌مندان به ادبیات و فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. انتشار این اثر می‌تواند به درک بهتر نقش شاهنامه در حفظ و تقویت هویت فرهنگی ایران کمک شایانی کند.